

## سیاستگذاری جمهوری اسلامی ایران در فضای مجازی در مقابله با نیروهای گریز از مرکز

ناصر عبداللهی<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۵/۲

علی شیاری<sup>۲</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۱/۳۰

علیرضا اسمعیل زاد<sup>۳</sup>

## چکیده

امروزه پیشرفت تکنولوژی و گسترش رسانه های جمعی تحولات زیادی را در عرصه های گوناگون فرهنگی ، سیاسی و اجتماعی و ... بوجود آورده است. در این میان اینترنت در کنار سایر کارکردهایش این عرصه ها را تحت تاثیر قرار داده است دسترسی انسان به شاهراه های اطلاعاتی هویت های سنتی و هویت سازی های سنتی را با دشواری و چالش های عمده ای روبرو ساخته است. یکی از این شاهراه ها ، که امروزه از اقبال زیادی در جامعه امروزی برخوردار است شبکه های اجتماعی است. این شبکه ها از یک سو، منابع هویت، امکانهای هویت سازی و آزادی عمل فرد در زمینه پذیرش هویت دیگری را به نحو چشمگیری افزایش داده است و از سوی دیگر ظهور فضای سایبر و امکاناتی که فناوری های اطلاعاتی به همراه آورده اند، امیدها، آرزوها و کابوس هایی را به دنبال داشته است. ولی با تمام این وجود، استفاده از شبکه های اجتماعی مجازی، روزبه روز محبوبیت بیشتری پیدا می کند. شبکه های اجتماعی متشکل از افراد یا سازمانها هستند که با یک یا چند نوع علاقه خاص به هم گره خورده اند، بر پایه وابستگی هایی مثل دوستی، خویشاوندی، منافع مشترک، تبادل مالی، علاقه خاص به یک موضوع، باورهای مشترک، دانش و هنر.

کلمات کلیدی: سیاستگذاری، فضای مجازی، نیروی گریز از مرکز

<sup>۱</sup>دانشجوی دکتری، گروه حقوق و علوم سیاسی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران

N\_Abdollahi58@yahoo.com

<sup>۲</sup>استادیار، گروه حقوق و علوم اجتماعی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران.

doctor.alishiari@gmail.com

بیان مساله :

در جهان امروز هیچ حوزه ای بدون توجه به نقش موثر فضای مجازی قابل بررسی نیست و اهمیت این نقش با حضور تازه شبکه های اجتماعی مجازی و گسترش آن بین هموطنان در اقصاء مختلف دو چندان شده است. گسترش روز افزون رسانه های نوین در این سال ها زندگی انسان را در اشکال مختلف تحت تاثیر قرار داده است. یکی از حوزه های مهم مورد اشاره بحث هویت ملی و اقوام است. از این منظر گسترش فرآیندهای فناوریهایی اطلاعات و ارتباطات و شکل گیری منجر به تحول و دگرگونی هویت خواهی چه در بعد ملی و چه در بعد قومی در کشورمان حائز اهمیت شده است. " سرزمین ایران از روزگاران کهن اقوام مختلفی را در خود جای داده و این

اقوام با وجود داشتن زبان، آئین ها، سلاقی و گویش های مختلف باهم همزیستی مسالمت آمیزی داشته و هرزمان دولت ها از قابلیت ها و نکات مثبت این اقوام استفاده کرده و اختلاف ها آنها را به سمت یکپارچگی و وحدت سوق داده اند توانسته اند در برابر دشمنان این مرز و بوم پیروز شوند" (رحمانزاده- سیدعلی غفاری- معینی، ۱۳۹۰)

" یکی از مسایل و معضلات جوامع برخوردار از تنوع قومی و فرهنگی نگرانی پیرامون کاهش انسجام اجتماعی، فرهنگی و سیاسی در کشورها باشد و در این میان نگرانی در خصوص کاهش هویت ملی مسئله همیشگی این نوع کشورهاست" (سید امیر مسعود شهرام نیاو همکاران، ۱۳۹۳). "همبستگی ملی یکی از مهمترین لوازم تداوم حیات دولت های کنونی است، به لحاظ پیوند خاصی که بین دولت و ملت در عصر جدید ایجاد شده است تصویر دولتی که در آن همبستگی ملی برقرار نباشد تقریباً امکان ناپذیر است. ایجاد همبستگی ملی از چنان اهمیتی در دولتهای کنونی برخوردار است که دولتها برای نیل به آن تمامی تدابیر و روشها را بکار می گیرند" (قمری داریوش، ۱۳۸۴) در این میان نقش فضای مجازی در ایجاد همبستگی و همگرایی و تمرکززدایی و واگرایی اقوام بدون تردید است نظریه های مختلف ارتباطی و جامع شناختی به صراحت به نقش فضای مجازی در ساخت ذهنیت مخاطبان درباره محیط و همچنین فرآیند اجتماعی کردن و جامعه پذیری آحاد مختلف اجتماع تاکید میکنند. (خرازی آذر، مظفری بهرامیان، ۱۳۹۵)

همگرایی یا احساس نزدیکی یا دوری از سایر قومیت ها و گروههای اجتماعی به میزان زیادی متأثر از تجربیات و ارتباطات رودرو یا بازنمایی اقوام و افراد غیر بومی در رسانه های ارتباط جمعی به خصوص فضای مجازی است چنانچه لاسول، مورتون و لازار و لرنر و کلوس بر بحث ایجاد همبستگی، وفاق اجتماعی و ایجاد همدلی توسط رسانه ها تاکید دارند، برخی از محققین معتقدند رسانه های ارتباط جمعی می توانند از طریق تحکیم و تعمیق پیوندهای مذهبی، ملی،

فرهنگی و تاریخی به تشدید توسعه پردازند روشن است که در یک نظام هماهنگ رسانه ای، انسجام و یکپارچگی اجتماعی و امنیت اجتماعی و در نتیجه تقویت پایداری توسعه مدنظر است اما از هم گسیختگی و پراکندگی رسانه ها تهدید اجتماعی و زوال آن به طور قطع قابل پیش بینی است؛ بررسی نقش رسانه های ارتباط همگانی و رسانه های اجتماعی اینترنتی در ایجاد همگرایی یا واگرایی قومی نیازمند تدقیق و توجه است.

مبانی نظری تحقیق

"خود" و "دیگری" از مفاهیم محوری در اندیشه و فرهنگ انسانی محسوب می شوند. انسان ها همواره بر آن بوده اند که "شبهات ها" و "تفاوت هایشان" را با سایر هموعان خود بشناسند و با مقایسه خود با دیگران، جایگاه خود را در جهان اجتماعی مجسم کنند. هویت از نیازهای روانی انسان و پیش نیاز هرگونه زندگی اجتماعی است. بدون چارچوبی برای تعیین هویت، افراد همانند یکدیگر خواهند بود و هیچ کدام از آنها نمی توانند به صورتی معنادار و پایدار با دیگران ارتباط و پیوند یابند همچنین، جوامع انسانی نیز در صورتی به عنوان یک جامعه مستقل شناخته می

شوند که از دیگر جوامع تمایز و تفاوت داشته باشند. در واقع، بدون وجود "شبهات ها" و "تفاوت ها" افراد یک جامعه امکان برقراری ارتباطی معنادار و مستمر را میان خود و جوامع دیگر نخواهند داشت. (برتون، رولان، ۱۳۸۰).

### نیروهای مرکزگرا، همگرایی و واگرایی

یکپارچه کردن مناطق و قومیت های متفاوت یک کشور به صورت یک واحد سازمان یافته که در آن تمامی ساکنین دارای تابعیت و وفاداری خود را عرضه دارند، یکی از ضروری ترین تکالیف برای هر کشور است (جوان پرور، ۲۰۱۰، ص. ۳۶). همگرایی عبارتست از تقریب و نزدیک شدن افراد به سمت نقطه ای مشخص که معمولاً به عنوان هدف مشترک آنان شناخته می شود (حافظ نیا، ۲۰۰۶، ص. ۳۷۳). از سویی همگرایی، نزدیک شدن روابط اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی دو یا چند کشور و اتخاذ تصمیمات مشترک در بعضی زمینه ها را گویند. (گیدنز، آنتونی، ۱۳۸۲، ص. ۷۹۶) هر عاملی که وحدت درونی واحد سیاسی را تأمین کند به عنوان نیروهای عامل همگرایی قلمداد می شوند. این نیروها موجب می شوند تا کشور به صورت یکپارچه و منسجم تر عمل کند و نقش و کارکرد نیروهای مرکزگرای را کم رنگ نمایند. این نیروها همچنین در هر قسمتی از یک سرزمین واقع باشند به دولت مرکزی وفادارند و کشور را به سوی وحدت سوق می دهند. همانطور که مویر بیان داشته است، در جهت عکس نیروهای مرکزگرای عمل کرده و اجزای کشور را به هم نزدیک می کنند.

نیروهای واگرا، نیروهایی هستند که در یک جامعه باعث تجزیه واحدهای سیاسی می‌شوند و در جهت عکس نیروهای همگرا عمل می‌کنند. هرچند این نیروها نوعی واگرایی را نسبت به سطح ملی بین قومیت‌ها تقویت می‌کنند، ولی در سطح محلی و قومیتی به شکل یک نیروی همگرا عمل می‌کنند و انسجام بین آنها را تقویت می‌کنند (جوان پرور، ۲۰۱۰، ص. ۳۸). در واگرایی متغیرهای گوناگونی وجود دارد که عبارتند از: عوامل انسانی و روانی، اجتماعی، واحدهای سیاسی نظام بین‌المللی و متغیرهای اجتماعی بین‌المللی. دولت‌ها به اقتضای اهداف و منافع ملی که دارند یا از هم دور می‌شوند یا سعی خواهند نمود تا به همدیگر نزدیک شوند که اگر از هم دور شوند به این واگرایی می‌گویند (حافظ نیا، ۲۰۰۶، ص. ۳۷۳) و به‌طور کلی هر عاملی که نظم درونی یک واحد سیاسی را بر هم بزند، به‌عنوان یک نیروی مرکزگرای قلمداد می‌گردد. این نیروها سعی در استقلال خود دارند و موجب تجزیه سرزمین می‌شوند و تمامیت ارضی یک کشور را دچار خدشه خواهند نمود، بنابراین نیروهای مرکزگرای اجزای حکومت را به‌سوی متلاشی شدن می‌رانند.

### مفهوم هویت

دو معنای اصلی هویت، تمایز و تشابه مطلق است. جنکینز در کتاب «هویت اجتماعی» هویت را اینگونه تعریف می‌کند: «هویت ریشه در زبان لاتین و دو معنای اصلی دارد. اولین معنای آن مفهوم تشابه مطلق را بیان می‌کند؛ این با آن مشابه است. معنای دوم آن تمایز است که با مرور زمان سازگاری و تداوم را فرض می‌گیرد. به این ترتیب، به مفهوم شباهت از دو زاویه مختلف راه می‌یابد. مفهوم هویت همزمان میان افراد یا اشیا دو نسبت محتمل برقرار می‌سازد: شباهت و تفاوت. (جنکینز، ریچارد، ۱۳۸۱، ص. ۵) این دو به تنهایی راهگشا نیست چرا که بدون توان شناختن این شباهت‌ها و تفاوت‌ها هویت، معنایی نمی‌یابد. پس فعل "شناسایی" به‌ضرورت لازمه هویت است. توان شناسایی

تمایزات و تشابهات به معنای دسته بندی اشیا یا افراد در دسته های معین خواهد بود که هر دسته دارای شباهت در اجزا خود و تمایز با دسته دیگری است.

به طور کلی هویت به منزله وسیله ای جهت معرفی خود، تعلق به گروه های مختلف اجتماعی و اشتراک و افتراق با دیگران موضوعی بحث انگیز است که نظریه های مختلفی درباره آن ابراز شده و در دوره های مختلف، یعنی دوره پیش مدرن، دوره مدرن و پست مدرن، معانی و تعاریف مختلفی از آن ارائه شده است. گاهی ثابت و یکپارچه و گاهی سیال و متعدد فرض شده است، گاه به فرد آموخته می شود - طی زمان و بواسطه شرایط مختلف اجتماعی و فرهنگی، فرد آن را کسب می کند- و گاه عاملی است که در چارچوب های اجتماعی و تنازع میان گروهها تولید و باز تولید می شود، در برابر عوامل محدود کننده مقاومت نشان می دهد و شاخص های طبیعی شده را به رسمیت نمی شناسد.

### ۱- هویت ملی

در تعریف هویت ملی باید گفت که یکی از مفاهیم اساسی آن، مسئله هم دلی بین اعضاء جامعه نسبت به واحد سیاسی موجود است: "در تعریف هویت ملی نکته اصلی این است که فرد خودش را عضو چه واحد سیاسی ای می داند و تا چه اندازه با واحد سیاسی احساس یگانگی می کند؛ به عبارت دیگر مسئله این است که آیا افرادی که از لحاظ فیزیکی در یک جغرافیای سیاسی خاص و نظام حکومتی خاص قرار دارند، خود را از لحاظ روانی هم عضو این نظام سیاسی می دانند یا نه؟" (قیصری، ۱۳۷۷، ص. ۵۰)

پس هویت ملی نوعی احساس یگانگی و همراهی و هم دلی با نظام سیاسی حاکم است که این همراهی فقط در ظاهر کافی نیست بلکه باید پذیرش قلبی افراد و اطاعت محض آنها را در پی داشته باشد. تعریف فوق تنها بعد سیاسی هویت ملی را مدنظر داشته و از جنبه های دیگر آن غافل شده است. باید در کنار آن به ابعاد دیگر قضیه نیز نگاه کرد:

دکتر احمدی مسئله مرزهای ملی را در این زمینه بسیار مهم می داند و می گوید: امروزه مرزهای ملی اهمیت تعیین کننده ای در مقوله هویت های ملی دارند و معمولاً در هر کشوری یک هویت ملی بیشتر وجود ندارد. اما این هویت ملی دارای زیرمجموعه هایی چون هویت های اجتماعی، صنفی، آموزشی، دینی و قومی است. هویت ملی دارای ابعاد گوناگونی است:

مسئله قومیت و گروه‌های قومی عموماً از زمان فروپاشی کمونیزم در اتحاد جماهیر شوروی سابق و پایان جنگ سرد با جدیت و گرمی موضوع بحث قرار گرفته است. هم اکنون مسئله تنوعات قومی و گروهی در بسیاری از کشورهای جهان وجود دارد و این امر پدیده‌ای طبیعی محسوب می‌شود.

"جهان انسانی دنیایی متشکل از اقوام و ملل گوناگون است که در سرتاسر آن با توجه به شرایط محیطی و جغرافیایی پراکنده شده‌اند. بررسی‌ها نشان می‌دهد که فقط در ۱۴ کشور جهان اقلیت قابل توجهی وجود ندارد و تنها ۴ درصد مردم دنیا در کشورهایی زندگی میکنند که دارای یک گروه قومی هستند". (میرزائی، ۱۳۸۸، ص. ۱۳۸)

### رابطه هویت ملی و هویت قومی :

در طول تاریخ و در بین کشورهای توسعه یافته فرهنگ‌های ملی بر اساس تقابل و حتی ضدیت با فرهنگ‌های محلی ایجاد شده‌اند. مثلاً انقلاب فرانسه باعث شد زبانهای قومی زیر فشار قرار بگیرند و در نهایت از بین بروند. فرهنگهای قومی نیز حاشیه‌ای شدند و حتی این مسئله با خونریزیهای بسیاری همراه بوده است.

اما این روند در کشورهای درحال توسعه اینگونه اتفاق نیفتاد چون بین شکل‌گیری دولتهای ملی در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه، فاصله‌ای بیش از یکصد سال وجود دارد که این فاصله باعث شد استراتژی شکل‌گیری دولت ملی و ملت که در کشورهای توسعه یافته انجام شده بود، در کشورهای درحال توسعه به آن شکل قابل انجام نباشد. چون در این فاصله تثبیت حقوق بشر ایجاد شد و یکی از ارکان حقوق بشر نیز حقی است که به گروههای انسانی در حفظ هویت فرهنگی‌شان داده می‌شود یعنی هر کس می‌تواند فرهنگ و زبان خودش را داشته باشد. بنابراین دولتهای ملی جهان سومی دیگر نمی‌توانستند همانگونه‌ای رفتار کنند که دولتهای توسعه یافته رفتار کرده بودند. یعنی باید به شکل دموکراتیک تری رفتار می‌کردند و حقوق خرده فرهنگها را به رسمیت می‌شناختند.

### هویت‌ها در تعامل با فضای مجازی

فضای مجازی برای نخستین بار توسط ویلیام گیلمسون - نویسنده کانادایی رمان‌های علمی-تخیلی - در سال ۱۹۸۴ مورد استفاده قرار گرفت. فضای مجازی برای گیلمسون در حقیقت فضایی تخیلی است که از اتصال رایانه‌هایی پدید

آمده است که تمامی انسان‌ها، ماشین‌ها و منابع اطلاعاتی در جهان را به هم متصل کرده‌اند. این معنا به صورت تقریبی مشابه معنایی است که ما امروزه از کاربرد لفظ فضای مجازی در نظر داریم. کینزا فضای مجازی را برای مثال محیطی بر ساخته از اطلاعات نامرئی - اطلاعاتی که می‌تواند اشکال مختلفی به خود بگیرد - تعریف می‌کند. وی برای کمک به فهم این مفهوم سازی و ارائه یک تصویر خوب و مناسب از فضای مجازی به تعریف اجزای فضا از طریق اینترنت می‌پردازد.

در اینجا دو دیدگاه را بررسی می‌کنیم: اولین دیدگاه که می‌توان آن را در طبقه رویکردهای پست مدرن قرار داد به ترکل اختصاص دارد که رویکردی کاملاً رادیکال به رابطه میان هویت و فضای مجازی دارد و بر این باور است که فضای مجازی فراهم شده از سوی اینترنت باعث حذف جسمیت فرد و این آزادی موجب تجربیات متعددی می‌شود. به طوری که فرد می‌تواند هویت‌های متعددی را ایجاد کند که هیچ‌گاه در جهان واقعی قادر نبوده است آنها را تجربه کند و این خودهای متکثر دلالت بر هویت‌های موقتی، سیال و ساخته شده‌ای دارد که در فضای مجازی قادر به بروز و ظهور بوده‌اند. دیدگاه دوم با دیده تردید به این رویکرد می‌نگردد و فقدان جسمیت را از معایب فضای مجازی می‌داند که بواسطه آن فرد قادر نیست بر دانش ضمنی که تنها در تجربه زنده و در دنیای واقعی قابل کسب است درک و تسلط پیدا کند. دریفوس را می‌توان نماینده چنین فکری دانست.

به گفته ترکل در فضای مجازی افراد از خصیصه "گمنام بودن" برخوردارند و این گمنامی، به آنان آزادی بیشتری می‌دهد، فرد با استفاده از این ویژگیها و با توسعه هویت‌های خود، به کسب تجاربی می‌پردازد که در زندگی واقعی امکان تجربه کردن آنها برایش فراهم نیست. بدین ترتیب فرد نمی‌تواند زندگی واقعی را برتر از زندگی مجازی بداند و به نوعی میان زندگی واقعی و زندگی مجازی خود توازن برقرار می‌کند و آن دو را همسان می‌پندارند. آزادی برآمده از گمنامی تعاملات اینترنتی، می‌تواند به شناخت ابعاد ناشناخته و گاه پنهان وجود فرد و در نهایت به بروز این ابعاد منتهی شود. همچنین فرد می‌تواند خود را آنگونه که مایل است معرفی کند و نقش‌هایی بسیار متفاوت و گاه متناقض با زندگی واقعی اش بپذیرد. در عین حال ترکل "خود واقعی" را تنها یکی از خودهای بی‌شمار فرد می‌داند که چه بسا بهترین خود فرد نیز نیست و تمایز اساسی آن با سایر خودها، جسمیت داشتن آن است.

## ویژگی‌های شبکه اجتماعی مجازی

شبکه های اجتماعی مجازی، گروه های کوچک سنتی دو یا چند نفره را به مدد فناوری های نوین به هم متصل کرده و گروه های اجتماعی بزرگ تشکیل داده است. این شبکه ها از طریق یک یا چند نوع از وابستگی ها به هم متصل اند و در بستر یک جامعه اطلاعاتی پیچیده، با کارکردی منحصر به فرد یک شبکه همگرای تأثیر گذار را به وجود آورده اند؛ اما موفقیت و محبوبیت روزافزون آنها، به دلیل داشتن رنگ و بوی اجتماعی و کاملاً مردمی است. در این فرایند، جامعه ای شبکه ای تولید شده و ارتباطات جوامع در قالب شبکه های اجتماعی برقرار می شود. در این ارتباطات، خواسته یا ناخواسته همه دست در دست یکدیگر می گذارند و در کنار هم حاضر شده و از علایق یکدیگر مطلع اند. گفت و گو در جامعه مجازی شبکه ای بین مردم، به صورت کاملاً غیر سنتی صورت می گیرد؛ بدون اینکه یکدیگر را به صورت فیزیکی ببینند، بشناسند یا دوست باشند و با هم فامیل و همشهری باشند. به مدد فناوری های ارتباطاتی، شبکه های اجتماعی مجازی، خود به خود موجب هم افزایی قدرت اجتماع شده و در جهان امروز، رأس هرم قدرت حاکمیتی را در هر جامعه ای تهدید می کند. در جوامع شبکه ای، اتحاد جامعه به هم پیوسته، قدرت واحدی تحت عنوان «قدرت شبکه ای» به وجود آورده اند. این قدرت، فراتر از اتحاد مردم در جوامع سنتی است و از ویژگی ها و توانمندی های جامعه اطلاعاتی و شبکه ای برخوردار است.

### انواع فعالیتهای کاربران شبکه های اجتماعی :

وقتی از گروه های قومی صحبت می کنیم بیشتر فعالیت های سیاسی به ذهن متبادر میشود. در حالی قشر بزرگی از کاربران شبکه های اجتماعی که در این شبکه ها فعال هستند در این گروه قابل جمع نیستند و اهداف و نیازهای غیر سیاسی از جمله نیازهای اجتماعی، ادبی، هنری، فرهنگی و سرگرمی و تفریح و ... را دنبال می کنند.

فعالیت های سیاسی

فعالیت های اجتماعی

فعالیت های ادبی، هنری و فرهنگی

سرگرمی و تفریح



### تأثیر شبکه های اجتماعی بر همگرایی و واگرایی هویت قومی و ملی

در تاثیر فعالیت شبکه های اجتماعی بر هم گرایی و واگرایی بین اقوام مختلف دو رویکرد کلان را به شرح زیر می توان از هم تمیز داد.

#### الف- رویکرد تقویت واگرایی:

طرفداران این رویکرد این مسئله را باعث تضعیف همبستگی بین اقوام مختلف می دانند. آنچه که از تجربه های موردی در فضای فیس بوک به دست می آید این است که گفتمان غالب در این عرصه در اختیار آن دسته از فعالان قومی است که هویت قومی خود را بر هویت ملی ترجیح میدهند و فعالیت های قوم مدارانه و هویت طلبانه شان تقویت کننده هویت قومی است و در برابر هویت ملی یا خنثی برخورد می کنند و یا تخریب کننده است. رویکرد تقویت همگرایی: معتقدان این رویکرد تقویت هویت قومی و فعالیت های قومی در شبکه های اجتماعی را تهدیدی علیه هویت ملی نمی دانند و معتقدند در صورت استفاده از فرصت های این تکنولوژی و هدایت صحیح این فعالیت ها، همگرایی قومی و تعلق ملی در کشور را افزایش داد.

#### ب- رویکرد نسبی گرا:

معتقدان به این رویکرد بر ماهیت کنش های افراد، دغدغه ها و مطالبات آنها و نوع برخورد حکومت با خواسته های این گروه ها از مهمترین عوامل هم گرایی و واگرایی قومی در یک کشور می دانند. اگر سیاست های

اجتماعی، فرهنگی و رسانه ای در دنیای آفلاین و واقعیت اجتماعی با خواسته های قومی دنیای آنلاین همخوان و هم‌نوا نباشد، و دنیای آفلاین نتواند به پوشش حداقل این مطالبات پاسخ دهد، واگرایی ملی را افزایش می دهد. در جوامع چند قومی، جامعه ملی زمانی شکل می گیرد که حقوق شهروندی ملاک اصلی تابعیت و هویت ملی یک شخص قرار گیرد. در غیر این صورت، جامعه های متفاوت و گروه های قومی متفاوت هر یک در صدد واگرایی و پیگیری خواسته ها و مطالبات خود بر می آیند و به جامعه ملی فراگیر عنایتی نخواهند داشت. تنها با شهروند محور ی فارغ از قومیت، مذهب، منطقه جغرافیایی و ... می تواند زمینه هم گرایی ملی را فراهم کند که شبکه های اجتماعی می توانند به تحقق این امر کمک کنند.

### آینده فضای مجازی و شبکه های اجتماعی

قدرت شبکه های اجتماعی مجازی در موضوعات سیاسی و اجتماعی، آن چنان اوج خواهد گرفت که ممکن است قدرت حاکمیت را از دست حاکمان خارج نماید و جامعه را به سمت و سویی که خود می خواهد، هدایت کند. در این صورت، حاکمیت به شکل صوری حکومت می کند؛ اما حکومت واقعی، در دست شبکه های اجتماعی است. مشارکت تعداد بسیاری از افراد ناشناس با کمک شبکه های اجتماعی و شبکه های پیام رسان در فرآیند سیاست گذاری ها و اداره افکار عمومی جامعه، به ویژه در انتخابات و همه پرسی های سرنوشت ساز، در آینده نزدیک، فضای مجازی را به عامل تغییر نظام های سیاسی و اجتماعی تبدیل خواهد کرد؛ عاملی که قدرت های حاکم را خورد کرده و تعریف و حد و مرزهای حاکمیتی را در می نوردد؛ هشداری که همه کارشناسان فضای مجازی آن را به دولتمردان در همه کشورها داده و سیطره و نفوذ و تأثیر گذاری این فضای جادویی را گوشزد کرده اند.

طبق آمار ارائه شده، اکنون چهار هزار سرویس دهنده شبکه اجتماعی فعال است که تنها دو شبکه آن، میلیونها کاربر دارد. این مطلب، به آن معناست که وقتی شخصی یک پیام کوتاه در این شبکه قرار می دهد، به سرعت میان میلیونها نفر منتشر شده و بازتاب می یابد. این سرعت و فراگیری، در هیچ رسانه ای امکان ندارد؛ یعنی ممکن است در مقابل حاکمیت، یک تصمیم شبکه ای اتخاذ شود که موجب هیجان و رویدادی اجتماعی یا موجی فراگیر و غیر قابل کنترل

شود؛ مانند برخی تشیع جنازه های اخیر که بدون اطلاع رسانی حاکمیتی، ده ها هزار نفر در آن حاضر شدند. از این رو، گفته می شود شبکه های اجتماعی مجازی، می تواند موجب تضعیف یا متلاشی شدن قدرت متمرکز شود. با این رویکرد، به طور طبیعی، صاحبان قدرت در مقابل این شبکه های اجتماعی واکنش نشان می دهند.

### بررسی عوامل مؤثر بر همگرایی قومی در فضای مجازی

نیروهای همگرا و واگرا در تعیین چگونگی ترکیب و انسجام ملت ایران نقش عمدهای دارند و مطالعه آنها از اهمیت خاصی برخوردار است. برخی از این نیروها، نقش نسبتاً ثابتی در فرایندهای همگرایی یا واگرایی دارند و برخی دیگر تحت شرایطی، قابل هدایت اند و امکان تحول در کارکردهای آنها وجود دارد، بنابراین میتوان آنها را در مسیر تحقق هریک از فرایندهای همگرایی یا واگرایی - بسته به انگیزه سیاسی و کاربری مورد نیاز بکار گرفت، مثلاً، دولت مرکزی ایران می تواند این نیروها را برای توسعه همگرایی و وحدت ملی به کار گیرد و بالعکس، نیروهای مداخله گر و ضد وحدت ملی میتوانند با دادن کارکرد متفاوت به همان نیروها هدف واگرایی و تجربه ملی را تحقق بخشند (حافظ نیا، ۲۰۰۲، ص. ۱۸۳).

اعتماد متقابل میان افراد و دولت

رضایتمندی مردم

تقویت هویت قومی در راستای هویت ملی

قدرت حکومت مرکزی ضامن همگرایی و انسجام

گسترش فرامرزی قومیتها و بازوهای فرهنگی

ارتباطات اقتصادی با کشورهای همجوار و رواج بازارچه های مرزی

سیاستهای قومی در کشورهای همجوار

### بررسی عوامل مؤثر بر واگرایی قومی در ایران

یکپارچگی ملی بیشتر دولت - ملت ها متأثر از دو نیروی مخالف جانب مرکز یا همگرا و نیروی گریز از مرکز یا واگراست. « سه عامل مهم یکپارچگی در یک کشور عبارتند از: 1 - پیوستگی فرهنگی آنها، 2 - میزان تأثیرپذیری آن دولت از ناحیه گرای سیاسی، 3 - وجود یا عدم وجود علل وجودی و هویت ملی مشخص که مورد قبول کلیه شهروندان باشد» (Drysdal & Blake, ۱۹۹۱, ص. ۸۹۱). از سوی دیگر پیوستگی فرهنگی و حتی ناحیه گرای سیاسی ملت ها متأثر از هفت شاخص است: زبان، مذهب، نژاد و قومیت، توسعه متوازن یا نامتوازن منطقه ای، میزان مشارکت گروه های جمعیتی در مدیریت سیاسی منطقه ای و ملی، ساختار اجتماعی قومی و میزان پشتیبانی بین المللی از نیروی واگرا (کریمی پور، مقدمه ای بر ایران و همسایگان، ۲۰۰۱، ص. ۴۴).

همسان سازی و رشد هویت های قومی

عامل مذهب

قومیت و زبان

سیستم ارتباطی نامتناسب و قطبی شده

عدم توازن مشارکت قومیتها در رأس هرم قدرت سیاسی

توسعه نیافتگی (توسعه نامتجانس) و قطبی شدن صنایع

موقعیت مرزی و حاشیه ای اقوام

## ماهیت سیاست گذاری فضای مجازی در ایران

لارنس مید سیاستگذاری عمومی را رهیافتی به مطالعه سیاست می داند و «حکومت را در پرتو مباحث عمومی عمده تحلیل می کند». جیمز اندرسن معتقد است «سیاستگذاری یک مجموعه اعمال هدفمند است که بازیگر یا بازیگرانی درباره یک موضوع» دنبال می کنند. همچنین می گوید سیاست های عمومی، سیاست هایی هستند که دستگاهها و مقامات حکومتی طرح می کنند؛ لاری لین سیاستگذاری را «مجموعه خاصی از اعمال حکومت می داند که با طراحی یا به روش دیگر، به یک سری از نتایج خاص می رسند». گی پیترز می نویسد: «سیاستگذاری عمومی، مجموعه فعالیتهای حکومت است که به طور مستقیم یا از طریق کارگزاران در زندگی شهروندان تاثیر می گذارد».

از بدو ورود، رسوخ و گسترش فضای مجازی و فناوریهای مرتبط با آن در جامعه ایران، نگاه به این فضا خوش بینانه نبوده و در طول چند دهه‌ای که از حضور و امکان دسترسی به این فناوری در کشور می گذرد، چنین نگاه بدبینانه‌ای، آنچنان که باید و شاید اصلاح نگردیده لذا همواره شاهد آن بودیم که سیاست گذاریهای کلان صورت گرفته در این خصوص، هر چند تلاش نموده تا محدودی رویکرد ایجابی و نگاه از پائین به بالا داشته و مبتنی بر جلب مشارکت آحاد جامعه باشد، اما عمدتاً سلبی و مبتنی بر نگاه از بالا به پائین می‌باشد.

## ساز و کارهای اعمال سیاست گذاریهای فضای مجازی در ایران

### ۱- ساز و کارهای اعمال سیاست گذاریهای سلبی

بطور کلی، سیاست گذاریهای سلبی فضای مجازی در جمهوری اسلامی ایران، مبتنی بر نگاه از بالا به پائین، عمدتاً بر مبنای دو سازو کار عمده تعریف شده از سوی حاکمیت، اجرایی شده است: برنامه‌ریزی بازدارنده در حوزه قانونگذاری؛ پالایش فضای مجازی (مشمول بر مسدود سازی و فیلترینگ).

### الف) برنامه‌ریزی بازدارنده در حوزه قانونگذاری

در جمهوری اسلامی ایران، همانند سایر کشورهای جهان، ما با تعداد زیادی از مقررات تنظیمی مواجه هستیم. مقررات تنظیمی، عبارت از هرگونه کوشش دولت برای کنترل رفتار شهروندان، شرکت‌ها و یا زیرمجموعه‌های دولت است (میر، ۱۹۸۵). پس از شناخت مسئله یا مشکل، در همه انواع سیاست گذاریها، شخص یا نهاد سیاست گذار، برای اجرای سیاست‌های مدنظر، نیازمند ابزارهایی است که الگوهای تنظیمی مدنظر خود را در چارچوب یا قالب آنها تدوین کند. شاید قویترین ابزار خط مشی که در دسترس تنظیم کنندگان قرار دارد، توانایی معرفی ممنوعیت قانونی باشد. با توجه به اهمیت این عرصه و تأثیر غیرقابل انکار آن در زندگی روزمره

شهروندان و فرصت‌ها و تهدیداتی که برای حکومت‌ها و شهروندان به دنبال دارد؛ تنظیم مقررات آن الزام و اهمیت بالایی دارد؛ اما با این

وجود در جمهوری اسلامی ایران، از ابتدای شکل‌گیری و فعالیت رسانه‌ها و ابزارهای ارتباطی - از جمله اینترنت - همواره دو دیدگاه متفاوت برای ضابطه‌مند نمودن فعالیت‌های آنها وجود داشته است:

عده ای معتقد هستند اصولاً هرگونه تدوین قوانین و مقررات برای رسانه‌ها و ابزارهای ارتباطی - خصوصاً رسانه‌هایی که مبتنی بر فضای مجازی می‌باشند و ساز و کار جهانی شدن در عصر حاضر قلمداد می‌گردند - ایجاد نوعی محدودیت قلمداد شده و مخالف با آزادی فعالیت رسانه‌ها بشمار می‌آید. این گروه استدلال می‌کنند که بیان آزاد افکار و اندیشه‌ها ضروری ندارد و اگر هم ضروری داشته باشد، این ضرر کمتر از آسیب دخالت حکومت در امور رسانه‌ها و محدود نمودن آزادی بیان و حق دسترسی به اطلاعات است.

در مقابل، گروهی معتقد هستند، وضع قواعد نه تنها محدود کننده نیست بلکه اگر قوانین و مقررات صحیح و متناسب و بر مبنای اصول تدوین شود، تأمین کننده آزادی رسانه‌ها است و دسترسی عموم به اطلاعات را تسهیل می‌نماید (رضایی، حامد و بابازاده، مهدی، ۱۳۹۳، ص. ۵۶)

### ب) پالایش فضای مجازی

یکی از دغدغه‌های دولت، وزارت ارتباطات، شورای عالی فضای مجازی و شورای عالی انقلاب فرهنگی ایجاد «اینترنت پاک» یا «پالایش فضای مجازی» است. در نگاه و برداشت اول، سیاست‌گذاری در این باره را می‌توان در زمره سیاست‌گذاری‌های ایجابی دسته‌بندی نمود؛ اما ساز و کارهایی که به منظور پاک یا به تعبیری، ایجاد فضای مجازی امن و سالم در کشور، به کار گرفته شده است، در نهایت این سیاست‌گذاری را زیر مجموعه سیاست‌گذاری‌های سلبی قرار داده است؛ چرا که در نظام پالایشی فضای مجازی، در کل دو رویکرد اساسی وجود دارد:

رویکرد اول؛ مسدودسازی کل یک تارنما یا وبگاه است.

رویکرد دوم؛ فیلترینگ یا پالایش تنها بخشی از تارنماست که داری محتوای مجرمانه است.

### ۲- ساز و کارهای اعمال سیاست‌گذاری‌های ایجابی

از عمده ترین سیاست‌گذاری‌های ایجابی در خصوص فضای مجازی در ایران می‌توان به تولید و مدیریت محتوای فضای مجازی، افزایش سواد رسانه‌ای، امن سازی فضای مجازی مبتنی بر بومی سازی و ... اشاره کرد. در ادامه، هر یک از ساز و کارهای مذکور، تبیین می‌گردد.

## الف) تولید و مدیریت محتوا

. تولید محتوا، فعالیتی است که در آن محتوایی توسط کاربران در فضای اینترنت منتشر می‌شود و در دسترس نسبی عمومی قرار می‌گیرد (روشندل اربطانی، طاهر و کوهی، احمد، ۱۳۹۱). درون مایه محتوایی فضای مجازی عمدتاً به هشت زیر شاخه تقسیم می‌شود که

عبارتند از: سیاسی، اقتصادی، فرهنگی - اجتماعی، فنی، امنیتی، آموزشی، حقوقی - قضایی و مذهبی - اعتقادی. در هر یک از هشت حوزه مذکور، تولید محتوای بیشتر و جذاب تر، به خودی خود کافی نیست، بلکه باید دقیق، متناسب، هدفمند و منطبق بر نیازهای ذی نفعان باشد. به تعبیری دیگر، باید ببینیم نیازها و خواسته‌های کاربران چیست و به چه اطلاعاتی نیاز دارند؟ و بر این مبنا، روشن کنیم که قصد ما در تولید و استفاده از محتوا چیست؟ و نیز اینکه استراتژی محتوایی ما چه باید باشد؟ و دارای چه ویژگی‌هایی باشد؟

## ب) افزایش سواد رسانه‌ای

با وجود اهمیت و ضرورت این مهم، هر چند حدود یک دهه از عمر ادبیات سواد رسانه‌ای در کشور ما می‌گذرد، اما جز تصویب چند قانون، تدوین مقالاتی محدود، ترجمه چند کتاب و یک ویژه نامه فصلنامه رسانه، به طور جد از سوی اندیشمندان و صاحب نظران به این مقوله پرداخته نشده است. امروزه بیشترین مشکل ما نبود آگاهی در حوزه فضای مجازی است و آنچه مسلم است آن است که سواد رسانه‌ای در کشور پائین است. البته شایان ذکر است، این سطح پائین سواد رسانه‌ای، صرفاً محدود به آحاد جامعه نمی‌شود، سازمانها و ارگانها نیز از این امر مستثنی نمی‌باشند؛ بطوریکه در قریب به یک دهه اخیر، در دولت نگاهها عمدتاً به سمت الکترونیکی شدن بوده است به طوری که در اکثر سازمانهای در کشور، واحد IT وجود دارد اما کار این واحد صرفاً این است که فرایندهای کاغذی سازمانها را به بی کاغذی تبدیل نمایند و این نگاه را ندارند که فضای جدیدی در حال شکل گیری است که بسط یافته فضای واقعی است و ماموریت آن وزارتخانه را بر اساس این فضای جدید تعریف کند. (سند تحول راهبردی نظام تربیت رسمی و عمومی جمهوری اسلام ایران در افق چشم‌انداز، ۱۳۸۹: ۳۴).

## ج) امن سازی فضای مجازی مبتنی بر بومی سازی

در کشور ایران، بیشتر بسترهای ارائه خدمات عرصه فضای مجازی، فاقد راهحل‌های امنیتی است و از بسترهای غیربومی استفاده می‌شود و همین امر باعث می‌گردد که هر از چند گاهی، مورد هجوم حملات سایبری بر زیرساخت‌های حیاتی کشور قرار گیرد. این در شرایطی است که در جمهوری اسلامی ایران، از سویی با توجه به

آنکه دغدغه و اهمیت موضوع امنیت سایبری در بدنه کشوری هنوز تبیین نشده است و بیشتر مدیران به این موضوع به عنوان یک موضوع لوکس نگاه می کنند، در حالی که بی توجهی به این موضوع می تواند بسترهای حیاتی و حساس کشور را در معرض آسیب های جبران ناپذیری قرار دهد. به منظور پیشگیری از آسیب ها و تهدیدات محتمل، بومی سازی فضای مجازی در دستور کار سیاست گذاران و مسئولان عرصه فضای مجازی قرار گرفته است. پس بومی سازی راهکاری در جهت ایمن سازی فضای مجازی قلمداد می شود. اساساً بر این مبنا است که ایران سالهاست ایجاد و راهاندازی «شبکه ملی اطلاعات» یا «اینترنت ملی» را پیگیری

می کند؛ شبکه ای مبتنی بر قرارداد اینترنت به همراه سوئیچ ها و مسیریابها و مراکز داده های، به صورتی که درخواست های دسترسی داخلی و أخذ اطلاعاتی که در مراکز داده داخلی نگهداری می شوند به هیچوجه از طریق خارج کشور مسیریابی نشود و امکان ایجاد شبکه های اینترنت و خصوصی و امن داخلی در آن فراهم شود (ماده ۴۶ برنامه پنجم توسعه).

#### نتیجه گیری

توجه به پدیده قوم مداری در یک جامعه چند قومی همانند ایران که یکپارچگی آن تا حد زیادی منوط به مسالمت و همزیستی اقوام متخلف است اهمیت زیادی دارد و شدت و ضعف قوم مداری می تواند سهم بسزایی در تضعیف یا تقویت روابط بین اقوام قومی و در نتیجه تضعیف یا تقویت یکپارچگی ملی داشته باشد .

ایران یک جامعه چند قومی است و با وجود اینکه اقوام ایرانی سرگذشت ها و ویژگی های گوناگونی دارند اما هویت ایرانی آنها همواره بر پایه مشترکات قومی استوار بوده است در نگاه اول لازمه چنین اشتراکی این است که عصبیت های قومی و تمایلات مشابه آن مهار شود و تعلق به اجتماع قومی در سایه تعلق و وابستگی به اجتماع ملی قرار بگیرد .

در این معنا قوم مداری و عصبیت قومی مانع شکل گیری هویت ملی محسوب می شود و این ممانعت به طور عمده از طریق اخلال و گسست در روابط بین قومی ایجاد می شود از سوی دیگر تقویت عناصر فرهنگی مشترک می تواند زمینه های فکری و ذهنی لازم را برای برقراری و تقویت روابط بین قومی و در نتیجه تقویت یکپارچگی ملی را فراهم آورد و فضای مجازی این ظرفیت را دارد تا اقوام ایرانی با اشتراک گذاشتن عقاید و آداب و رسوم خود زمینه آشنایی و ارتباط بیشتر را فراهم آورد و همین مساله باعث نزدیکی قومیت ها شود و از شدت قوم مداری بکاهد. با توجه به اهمیت تنوع قومی در جوامعی با اقوام و نژادهای مختلف؛ تاثیر آن بر وحدت و انسجام و یکپارچگی ملی امری آشکار و بدیهی است .



قومیت از انواع هویت اجتماعی هستند که چگونگی رابطه و مناسبات آنها با یکدیگر نقش مهم و موثری بر همبستگی و انسجام اجتماعی، وحدت و وفاق ملی و به تبع آن ثبات سیاسی و توسعه اقتصادی دارد.

استفاده از شبکه های مجازی توسط مردم اقوام مختلف ایرانی، فواصل زمانی و مکانی را از میان آنها برداشته است و این امکان را فراهم نموده تا آنها بتوانند علاقمندی ها، افکار، فرهنگ، سنت ها و فعالیت های خودشان را با دیگر اقوام ایرانی به اشتراک بگذارند و دیگران هم در این افکار و فعالیتها سهیم شوند و تعامل قابل توجهی بین آنها ایجاد شود. ارتباط بیشتر این اقوام در شبکه های اجتماعی با هم آنها را به سمت همیاری، همکاری و همدلی بیشتر با هدف بهبود زندگی اجتماعی، به عنوان یکی از عوامل تاثیرگذار بر فرایند امور و مسائل اجتماعی مجازی با این سرعت نشان از اقبال این خدمت در بین اقوام ایرانی دارد.

#### منابع

- Blake, & Drysdal. (۱۹۹۱). *جغرافیای سیاسی خاورمیانه و شمال آفریقا*. د. میرحیدار (Trans.), تهران: دفتر مطالعات بین المللی و سیاسی.
- برتون، رولان. (۱۳۸۰). *قوم شناسی سیاسی*. تهران: نی.
- بررسی نقش رسانه ملی در توسعه ارتباطات بین فرهنگی در میان اقوام ایرانی). سال سوم، شماره ۸. (فصلنامه مطالعات تاریخ انتظامی. ۷۵،
- جنکینز، ریچارد. (۱۳۸۱). *هویت اجتماعی*. تهران: شیرازه.
- جوان پرور، م. (۲۰۱۰). *Convergence & Divergence*. (p. ۳۸).
- حافظ نیام، م. (۲۰۰۲). *جغرافیای سیاسی ایران*. تهران: سامت.
- حافظ نیام، م. (۲۰۰۶). *مشهد: پاپولی*.
- خرازی آذر، مظفری بهرامیان. (۱۳۹۵). *تاثیر استفاده از رسانه های جمعی اجتماعی بر همگرایی بین قومی در ایران*. فصلنامه مطالعاتی فرهنگ و ارتباطات. ۸۱،

- رحمانزاده- سیدعلی غفاری- معینی. (۱۳۹۰). بررسی نقش رسانه ملی در توسعه ارتباطات بین فرهنگی در میان اقوام ایرانی. فصلنامه مطالعات تاریخ انتظامی. ۷۵.
- رضایی، حامد و بابازاده، مهدی. (۱۳۹۳). اصول تدوین قوانین و مقررات برای اینترنت با تأکید بر مصوبات یونسکو و شورای اروپا. فصلنامه پژوهش حقوق عمومی.
- سید امیر مسعود شهرام نیاو همکاران. (۱۳۹۳). بررسی تاثیر شبکه های اجتماعی بر میزان هویت ملی. فصلنامه پژوهش های راهبردی سیاست.
- قمری داریوش. (۱۳۸۴). همبستگی ملی در ایران. موسسه مطالعات ملی تمدن ایرانی. ۹.
- قمری، داریوش. (۱۳۸۴). همبستگی ملی در ایران. مطالعات ملی ایران.
- قیصری، ن. (۱۳۷۷). قومیت عرب و هویت ملی در جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه مطالعات راهبردی. ۵۰.
- کاستلز، مانوئل. (۱۳۸۲). عصر اطلاعات. تهران: طرح نو.
- کریمی پور. (۲۰۰۱). مقدمه ای بر ایران و همسایگان. تهران: جهاد دانشگاهی واحد تربیت معلم.
- کریمی پور. (۲۰۰۹). فرصتها و چالش های ژئوپلیتیک جمهوری اسلامی ایران. جغرافیا و توسعه. ۶۹.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۷۶). تهران: نی.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۳). تجدد و تشخیص. تهران: نی.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۲). فراسوی چپ و راست. تهران: علمی.
- میرزائی. (۱۳۸۸). رابطه هویت ملی و قومی در بین دانشجویان آذری، کرد و عرب دانشگاههای دولتی ایران. مطالعات ملی. ۱۳۸.